



عکس: Reuters

# جنگ مالی تهران و واشنگتن

## معرفی و بررسی کتاب جنگ مالی؛ تحریم‌های مالی ایالات متحده علیه ایران



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

کتاب جنگ مالی اثر وحید توری که به موضوع «تحریم‌های مالی ایالات متحده علیه ایران» می‌پردازد، به‌تازگی در ۳۰۲ صفحه توسط انتشارات نگارستان اندیشه منتشر شده است. این اثر که شیرین هانتر، استاد ایرانی-آمریکایی دانشگاه جورج تاون برای آن مقدمه نوشته است، جزو معدود کتاب‌هایی است که به موضوع مهم نظام تحریم‌های مالی آمریکا علیه ایران می‌پردازد. در واقع برخلاف انتظار درباره موضوعی که طی دو دهه گذشته مهمترین چالش اقتصاد و سیاست در ایران بوده است و مباحثی مانند تحریم‌ها و دورزدن تحریم و اف.ای.تی.اف تیتز بسیاری از اخبار بوده است، تحقیق و پژوهش جدی چندانی وجود ندارد و کتاب‌های معدودی در این زمینه تدوین و منتشر شده است و از این جهت کتاب «جنگ مالی» اثر ارزشمندی است که با توجه به جامعیت و نگاه علمی و دقیق تا حدود زیادی می‌تواند این خلأ را پر کند. وحید توری در کتاب جنگ مالی با جزئیات همه ابعاد و تاریخچه تحریم‌های مالی آمریکا علیه ایران را بررسی کرده و با استناد به اسناد سیاسی و اداری آمریکا و ایران، کتابی مستدل و مستند را فراهم دیده است که از هر جهت برای خواننده و پژوهشگران این حوزه قابل استناد و استفاده است. کتاب سرشار از اطلاعات مفید در زمینه شناخت نظام مالی و بانکی آمریکا و نحوه اعمال تحریم‌ها علیه ایران و سایر کشورهاست و قوانین مورد استناد و شیوه عمل خزانه‌داری آمریکا در اعمال نظام تحریم‌ها را توضیح داده است. کتاب در مورد ایران نیز در بخش برآورد نتایج اقتصادی، سیاسی و امنیتی تحریم‌ها علیه ایران بسیار مستند و دقیق است و براساس آمار و اسناد و بررسی‌های جامع اثرات، به نتیجه‌گیری در این زمینه پرداخته است.

### ▼ تحریم‌ها از کجا آمدند؟

تحریم‌های آمریکا علیه ایران که از زمان تسخیر سفارت آمریکا در تهران آغاز شده و به مرور به بهانه‌های مختلف افزایش یافته است، یکی از پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین نظام‌های تحریم علیه یک کشور توسط آمریکاست.

گسترده‌گی این تحریم‌ها بیش از همه به جایگاه ایران به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت بازمی‌گردد که تحریم آن را نسبت به کشورهای دیگر چون کوبا و کره شمالی پیچیده‌تر می‌کند. تحریم‌های اولیه آمریکا هر چه محدودتر و کلان‌تر بوده است با گذشت زمان به‌ویژه از زمان آغاز تحریم‌های هسته‌ای گسترده‌تر شده و با هدف قراردادن نظام بانکی و مالی همه مرادفات تجاری ایران را هدف قرار داده است. کنگره آمریکا منای قانونی اکثر تحریم‌های آمریکا علیه ایران را فراهم می‌کند، اما تقسیم و اجرای آنها بر عهده دولت آمریکا است که بر همین اساس نیز در دوره‌هایی نظیر دولت

بیل کلینتون و باراک اوباما سخت‌گیری‌ها در مورد تحریم‌های ایران کاهش پیدا کرده است. در حالی که قوانین کنگره برای لغو این اقدامات لازم است، رئیس‌جمهور با استناد به «منافع ملی» این اختیار را دارد که تقریباً از همه آنها به‌طور کلی یا جزئی چشم‌پوشی کند. رئیس‌جمهور همچنین می‌تواند با حذف افراد و نهادها از لیست تحریم‌ها، آنها را استثنا کند.

تحریم‌های ایالات متحده اهداف مختلفی در رابطه با امور داخلی و خارجی ایران از گسترش تسلیحاتی و توان موشکی گرفته تا مسائل حقوق بشر در داخل ایران تا توان هسته‌ای را در بر می‌گیرد. این تحریم‌ها بخش‌های گسترده‌ای از نهادهای حکومتی و همچنین افراد و نهادهای خاص، چه از اتباع ایرانی و چه دیگری که با ایرانیان تحریم‌شده معامله دارند را هدف قرار می‌دهند. تحریم‌های آمریکا که توسط وزارت خزانه‌داری اداره می‌شود، به‌دنبال منزوی کردن ایران از سیستم مالی بین‌المللی است. فراتر از ممنوعیت معاملات مالی مؤسسات مستقر در ایالات متحده با ایران، وزارت خزانه‌داری تحریم‌های فراسرزمینی یا ثانویه را اعمال می‌کند. براساس قانون جامع تحریم‌های ایران در سال ۲۰۱۱ (CISADA)، مؤسسات مالی مستقر در خارج یا شرکت‌های تابعه که با تحریم‌ها سر و کار دارند و بانک‌ها از انجام معاملات در ایالات متحده یا با دلار آمریکا منع شده‌اند، که دویید کوهن، معاون وزیر خزانه‌داری آن زمان آن را «مجازات اعدام برای هر بانک بین‌المللی» نامید. در پایان سال ۲۰۱۱، ایالات متحده برای جلوگیری از پرداخت‌های خریداران نفت ایران از طریق بانک مرکزی ایران، اقدام کرد، اگرچه تعداد معدودی از کشورهایی را که «کاهش قابل توجهی» در خرید خود ایجاد کرده بودند، معاف کرد. سایر اقدامات دسترسی ایران به ارزهای خارجی را محدود می‌کند، به‌طوری که وجوه خریداران نفت می‌تواند تنها برای تجارت دوجانبه با کشور خریدار یا برای دسترسی به کالاهای بشردوستانه استفاده شود.

همزمان با فشار بر دسترسی ایران به سیستم‌های مالی بین‌المللی، کاهش درآمدهای نفتی تمرکز اصلی دولت آمریکا بوده است. قبل از سال ۲۰۱۲، صادرات نفت نیمی از درآمد دولت ایران را تأمین می‌کرد و یک‌پنجم تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می‌داد. صادرات نفت از آن زمان تاکنون به کمتر از نصف کاهش یافته است. تحریم‌های فراسرزمینی شرکت‌های خارجی را که خدمات و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با بخش انرژی از جمله سرمایه‌گذاری در میدان نفت و گاز، فروش تجهیزات مورد استفاده در پالایش نفت و مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با صادرات نفت، مانند کشتی‌سازی، عملیات بنادر و بیمه حمل و نقل ارائه می‌دهند، هدف قرار می‌دهد. ایالات متحده قانون تحریمی دارد که بیشتر شرکت‌های آمریکایی را از تجارت با سرمایه‌گذاری در ایران منع می‌کند که تاریخ تصویب آن به سال ۱۹۹۵ برمی‌گردد. اگرچه در دهه نخست قرن بیست‌ویکم این قانون در جاهایی با استثنا مواجه شد اما در دهه دوم دوباره احیا شد. دولت اواما از معدود موارد استثنا در دهه دوم قرن بیست‌ویکم برای تحریم فروش تجهیزات و نرم‌افزارهای مخابراتی استثنا قائل شد. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جورج دبلیو بوش،

رئیس‌جمهور آمریکا دارای‌های نهادهایی را که مصمم به حمایت از تروریسم بین‌المللی بودند، مسدود کرد. این فهرست در یک فراکتی عجیب شامل ده‌ها فرد و مؤسسه ایرانی از جمله بانک‌ها، پیمانکاران دفاعی و سپاه پاسداران است. قانون منع گسترش تسلیحات ایران و عراق مصوب سال ۱۹۹۲ خواستار تحریم هر شخص یا نهادی است که به تهران در توسعه تسلیحات یا دستیابی به «تعداد و انواع سلاح‌های متعارف شیمیایی، بیولوژیکی، هسته‌ای یا بی‌ثبات‌کننده» کمک می‌کند. قوانین منع اشاعه و اقدامات اجرایی بعدی، افراد و نهادهایی را که به تولید سلاح‌های کشتار جمعی کمک می‌کنند، تحریم کرده است.

اما گسترده‌ترین نظام تحریم‌ها علیه ایران در پی پرونده هسته‌ای ایجاد شد. در سال ۲۰۰۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد، پس از امتناع ایران از تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، به اتفاق آرا قطعنامه ۱۷۴۷ را تصویب کرد. این امر تحریم‌های ایران را در ارتباط با برنامه هسته‌ای اش تشدید کرد. در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ نیز شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ را تصویب کرد که این قطعنامه‌ها نیز تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را گسترش می‌دادند. قطعنامه ۱۹۲۹ ایران را از انجام آزمایش‌های موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای نیز منع کرد و انتقال سیستم‌های تسلیحاتی بزرگ به ایران را تحریم کرد. کنگره آمریکا نیز در سال ۲۰۱۰ قانون جامع تحریم‌های ایران را تصویب کرد. این تحریم‌ها شرکت‌هایی را که در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند یا نفت پالایش شده به ایران می‌فروشند و بانک‌های خارجی که با بانک‌های تعیین شده ایرانی تجارت می‌کنند، هدف قرار داد. اتحادیه اروپا نیز با مجموعه‌ای هدفمند از تحریم‌ها علیه ایران موافقت کرد. این تحریم‌ها «افراد، شرکت‌ها و بخش‌هایی را که مستقیماً در برنامه هسته‌ای ایران و سایر حوزه‌ها درگیر هستند» هدف قرار می‌داد. در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ کنگره آمریکا قانونی را تصویب کرد که به ایالات متحده اجازه می‌دهد تا تحریم‌های جدیدی را علیه بانک مرکزی ایران اعمال کند و بانک‌های کشور ثالث را در صورتی که کشورهای واردکننده نفت ایران در مدت شش ماه به میزان قابل توجهی این واردات را کاهش ندهند، تحریم کند و در پی آن اتحادیه اروپا با ممنوعیت واردات نفت ایران موافقت کرد. کنگره آمریکا تهدید «تحریم‌های ثانویه» را علیه شرکت‌هایی که با ایران تجارت می‌کنند از طریق قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه، (TRA) گسترش داد.

با روی کار آمدن دولت میانه‌رو حسن روحانی در ایران این روند برای مدتی متوقف شد و به عقب برگشت. زمانی که در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ ایران و گروه ۵+۱ شامل ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین و آلمان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را امضا کردند، ایران موافقت کرد در ازای کاهش قابل توجه تحریم‌های ایالات متحده، سازمان ملل و اتحادیه اروپا، اقداماتی را برای محدود کردن برنامه هسته‌ای خود انجام دهد. پس از آن شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا قطعنامه ۲۲۳۱ را تصویب کرد که توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌های هسته‌ای شورای امنیت علیه ایران را پس از برآورده شدن شرایط مندرج در توافق، تأیید کرد.